

## قانون حاکم بر دعاوی مسئولیت مدنی؛ تحول قواعد حل تعارض قوانین در دعاوی مسئولیت مدنی

سعید سیاه‌بیدی کرمانشاهی\*

رسول بهرامپوری\*\*

### مقدمه مترجم

مسئله انتخاب قانون حاکم بر دعوی مسئولیت مدنی مربوط به جایی است که یکی از عوامل مرتبط با دعوی، خارجی باشد؛ برای مثال، یکی از طرفین دعوا یا هر دوی آنها دارای تابعیت خارجی باشند یا حادثه منجر به طرح دعوی مسئولیت مدنی در خارج از حیطه صلاحیت سرزمینی دادگاه به وقوع پیوسته باشد. در چنین مواقعی این سؤال مطرح می‌شود که کدام قانون باید حاکم بر دعوا باشد؟ در پاسخ به سؤال مزبور، احتمالات متعددی به ذهن می‌رسد؛ نظیر قانون محل اقامت زیان‌دیده، قانون محل وقوع تقصیر (خطا)، قانون محل وقوع حادثه زیان‌بار، قانون محل اقامت عامل مسئولیت و غیره.

در بسیاری از کشورها از جمله ایالات متحده آمریکا برای سالیان متمادی، قانون محل وقوع خطا را بدون در نظر گرفتن سایر عوامل ارتباط به‌عنوان قانون حاکم بر دعاوی مسئولیت مدنی برمی‌گزیدند، لیکن رویه قضایی این کشور در حال حاضر متحول گشته و در آخرین تحولات خود، قانون محل وقوع خطا را تنها به‌عنوان یکی از عوامل ارتباط مورد بررسی قرار می‌دهد و ملاک اصلی وی برای تعیین حاکم، رعایت مصالح عمومی و تأمین حداکثر منافع طرفین دعوا و ایالت‌های درگیر حادثه است.

رای حاضر که نشان‌دهنده تحول رویه قضایی آمریکا در زمینه تعیین قانون بر دعاوی مسئولیت مدنی است، به‌جهت آشنایی با این تحولات و افزودن بر غنای

---

\* دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران و مدرس دانشگاه  
siahbidisaeed@gmail.com

\*\* دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران و مدرس دانشگاه  
rasoolbahrampoori@gmail.com

مباحث مربوط به مسئولیت مدنی، ترجمه و به خوانندگان تقدیم می‌گردد. لازم به ذکر است با توجه آن که در کشور مذکور، قوانین ایالت‌های گوناگون با هم متفاوت‌اند، لذا علاوه بر این که تعارض قوانین میان قوانین کشور آمریکا با یک کشور خارجی ممکن است، امکان تعارض قوانین دو یا چند ایالت نیز وجود دارد. رأی حاضر از مصادیق تعارض قوانین ایالت‌هاست؛ لیکن مبنای استدلال دادگاه در تعیین قانون حاکم مانع از آن نیست که در سایر موارد تعارض قوانین نیز مورد استفاده قرار گیرد.

### مشخصات رأی

عنوان دادنامه: دعوای رایک علیه پرسِل<sup>۱</sup>

شماره دادنامه: (۱۹۶۷) ۶۷ Cal. ۲d ۵۵۱

تاریخ: ۱۹۶۷/۱۰/۳۰ (۱۹۶۷/Oct/۳۰)

خواسته: مطالبه خسارت ناشی از تصادف رانندگی

مرجع رسیدگی: دادگاه عالی کالیفرنیا

قاضی ارشد (رئیس دادگاه) آقای تراینر<sup>۲</sup>

واقعه قتل غیرعمد،<sup>۳</sup> به سبب برخورد دو خودرو در ایالت «میزوری» حادث شده است.<sup>۴</sup> مالک و راننده یکی از اتومبیل‌ها، خواننده یعنی «ژوزف پرسِل» - شهروند و مهاجر اهل کالیفرنیا - می‌باشد که در حال مسافرت به «ایلینویز»<sup>۵</sup> برای گذران تعطیلات بوده، و مالک و راننده اتومبیل دیگر خانم «رایک» - همسر خواهان یعنی «لی رایک» - بوده است. خانواده رایک ساکن «اوهایو»<sup>۶</sup> و خانم رایک به همراه دو فرزند خانواده یعنی «جی»<sup>۷</sup> و «جفری»<sup>۸</sup>، در حال حرکت به سمت کالیفرنیا (جایی

1. Reich v. Purcell.

2. TRAYNOR, C.J. (Chief Justice).

۳. عبارت قتل غیرعمد برگردان واژه (Wrongful death) می‌باشد که نه به صورت مطابقی بلکه از باب تشبیه، با قتل شبه‌عمد در حقوق کشور ما مشابهت دارد. در این قسم از مرگ، برای مسبب مرگ از واژه «قاتل» استفاده نمی‌شود؛ لیکن با مرگ معمولی نیز متفاوت است. دعوای (Wrongful death) عبارت از دعوایی است که به طرفیت شخصی که نسبت به مرگ مسئولیت دارد اقامه می‌گردد و مرجع صالح برای رسیدگی به آن دادگاه حقوقی است نه کیفری. این دعوا با قتل غیرعمدی دیگر موسوم به (Manslaughter) متفاوت است.

4. Missouri

5. Illinois

6. Ohio

7. Jay

8. Jeffrey

که برای اقامت مدنظر داشتند) بودند. خانم رایک و جی در این حادثه کشته شدند و جفری مجروح گردید.

خواهان‌ها (لی رایک و جفری رایک) وارث خانم رایک، و لی رایک، وارث جی رایک هستند که بعد از این حادثه به کالیفرنیا نقل مکان کرده و از ساکنان دائمی این ایالت شدند. املاک خانم رایک و جی رایک در اوهایو اداره می‌شود.

طرفین توافق کردند که در دعاوی قتل غیرعمد جی، جراحات وارده به جفری و خسارات اتومبیل خانم رایک، دادگاه به ادعای دریافت مبالغ مشخص شده<sup>۱</sup> رسیدگی نماید. طرفین درخصوص مرگ خانم رایک متفق‌الرأی گشتند که دادگاه به ادعای دریافت مبالغ ۵۵ هزار دلار یا ۲۵ هزار دلار رسیدگی نماید برحسب آن که دادگاه محدودیت خسارت به ۲۵ هزار دلار در ایالت میزوری را بر این دعوا قابل اعمال بداند [یا خیر؟] (حاشیه‌نویسی ورنون بر قوانین ایالت میزوری، بخش ۵۳۷.۰۹۰).<sup>۲</sup> هیچ‌یک از ایالات اوهایو و کالیفرنیا جبران خسارت را در دعاوی قتل غیرعمد محدود نمی‌کنند.<sup>۳</sup> دادگاه بدوی با این استدلال که تصادف در ایالت میزوری رخ داده، مقرر نمود که محدودیت موجود، در ایالت مذکور اعمال گردد. خواهان از رأی صادره تجدیدنظرخواهی کرد.

دادگاه‌ها قانون محل وقوع خطا را برای سالیان متمادی، در دعاوی مسئولیت مدنی اعمال می‌کردند. صرف‌نظر از مسائل مطروحه نزد دادگاه نظیر رفتار طرفین

---

۱. در «قتل غیرعمد» شش نوع خسارت قابل تصور است: مخارج درمانی و هزینه‌های خاک‌سپاری، از دست دادن درآمد، از دست دادن منافع، هزینه نگهداری فرزند، درد و رنج بازماندگان (خسارت معنوی) و خسارات تنبیهی.

2. Vernon's Ann. Mo. Stats. § 537.090<sup>۴</sup>

میزان خسارات قابل جبران: «در تمامی دعاوی که مستند به بخش ۵۳۷.۰۸۰ (دعای قتل غیرعمد) اقامه می‌شود هیأت‌منصفه می‌تواند برای شخص یا اشخاص باقی‌مانده (بازماندگان حادثه) که ممکن است حق برخورداری از چنین خساراتی را داشته باشند، خسارتی که از مبلغ ۲۵ هزار دلار تجاوز نمی‌کند، مقرر نمایند و نیز این هیأت (منصفه) می‌تواند با توجه به آسیب ضروری ناشی از چنین مرگی و مدنظر قرار دادن تخفیف یا تشدید شرایط و اوضاع و احوال رفتار غیرقانونی منجر به چنین مرگی و ...، عدالت و انصاف را نسبت به مرگ (حادثه‌شده) و زیان‌های ناشی از آن برقرار نماید».

۳. قانون اساسی اوهایو، ماده ۱، بخش ۱۹ الف: «مقدار خسارات قابل جبران توسط دعاوی مدنی در دادگاه برای مرگ ناشی از عمل غیرقانونی، تقصیر یا قصور دیگری، نباید توسط قانون محدود شود». قانون آیین دادرسی مدنی کالیفرنیا، بخش ۳۷۷: «در دعاوی مستند به این بخش، چنین خساراتی می‌توانند پرداخت شوند، زیرا تحت هر شرایطی که بر دعوا حاکم باشد این خسارات ممکن است صحیح باشند ...».

دعوی، جاری ماندن دعاوی،<sup>۱</sup> قابلیت اعمال قانون مربوط به قتل غیرعمد، مصونیت از مسئولیت یا سایر قواعد اثبات‌کننده خسارت (نک: دعوی لورانجر علیه نادئو؛<sup>۲</sup> دعوی رایان علیه شرکت ماهی قزل‌آلای شمال آلاسکا<sup>۳</sup> و اصلاحیه تعارض قوانین، بخش ۳۷۸ به بعد)، [در واقع] این طور فرض می‌شد که قانون محل وقوع خطا، سبب دعوا را ایجاد نموده و ضرورتاً قلمرو مسئولیت را [نیز] تعیین می‌کند (دعوی اسلیتر علیه شرکت راه‌آهن ملی مکزیک).<sup>۴</sup> به غیر از دشواری‌های دادرسی (نک: کتاب کری، مقالات منتخب درمورد تعارض قوانین (۱۹۶۳)، ص ص ۱۰-۱۸)،<sup>۵</sup> این نظریه زمانی به‌خوبی کاربرد دارد که همه رویدادهای مرتبط، در یک حوزه قضایی به‌وقوع پیوسته باشد ولی دعوا در حوزه قضایی دیگری اقامه گردد. در یک وضعیت پیچیده و مرتبط با چند ایالت نمی‌توان بر این عقیده بود که قوانین یک ایالت به‌تنهایی قادر به تعیین حقوق انحصاری حاکم بر موضوع باشد. (دعوی کرایدر علیه شرکت بیمه زوریخ؛<sup>۶</sup> دعوی کلای علیه نمایندگی شرکت بیمه سان<sup>۷</sup> و دعوی واتسون علیه شرکت بیمه مسئولیت کارفرمایان).<sup>۸</sup> دادگاه باید با توجه به منافع طرفین دعوا و ایالت‌های درگیر موضوع، در پی یافتن قانون مناسب برای اعمال بر مسئله باشد. چنین پرونده‌های پیچیده‌ای، پرونده‌های تاحدی مبهم را [نیز] واضح و از ابهام خارج می‌سازند؛ یعنی قاضی می‌تواند قانونی را که صلاح می‌بیند اعمال نماید (نک: دعوی لین علیه پارکین؛<sup>۹</sup> گرانت علیه مک الیف؛<sup>۱۰</sup> کتاب کوک، مبانی منطقی و قانونی تعارض قوانین (۱۹۴۲)، ص ص ۲۰-۲۱؛<sup>۱۱</sup> کتاب کاورز، دو نظریه حقوق محلی، ص ص ۸۲۲-۸۲۴).<sup>۱۲</sup> هنگامی که نظریه مزبور ملاک عمل قرار گیرد

۱. این عبارت برگردان (survival of actions) است و به معنای «ادامه یافتن دادرسی علی‌رغم فوت یک

طرف یا طرفین دعوا» می‌باشد.

2. Loranger v. Nadeau, 215 Cal. 362, 366 [10 P.2d 63, 84 A.L.R. 1264].

3. Ryan v. North Alaska Salmon Co., 153 Cal. 438, 439 [95 P. 862].

4. Slater v. Mexican Nat. R.R. Co., 194 U.S. 120, 126 [48 L. Ed. 900, 902, 24 S. Ct. 581].

5. Currie, Selected Essays on Conflict of Laws (1963) Pp. 10-18.

6. Crider v. Zurich Ins. Co., 380 U.S. 39, 42 [13 L. Ed. 2d 641, 643, 85 S. Ct. 769].

7. Clay v. Sun Ins. Office, Ltd., 377 U.S. 179, 181-182 [12 L. Ed. 2d 229, 231, 84 S. Ct. 1197].

8. Watson v. Employers Liab. Corp., 348 U.S. 66, 72-73 [99 L. Ed. 74, 81-82, 75 S. Ct. 166].

9. Lein v. Parkin, 49 Cal. 2d 397 [318 P.2d 1].

10. Grant v. McAuliffe, 41 Cal. 2d 859 [264 P.2d 944, 42 A.L.R. 2d 1162].

11. W.W. Cook, The Logical and Legal Basis of Conflict of Laws (1942) Pp. 20-21.

12. Cavers, Two "Local Law" Theories, 63 Harv. L. Rev. 822-824.

این امر به معنای اعمال حقوق خارجی نیست بلکه انتخاب یک قاعدهٔ خارجی برای تصمیم‌گیری به‌عنوان قاعده‌ای مناسب برای اعمال در پروندهٔ مطرح‌شده، نزد دادگاه است. به‌علاوه، اکنون ثابت شده است که در مسئلهٔ حاکم نمودن قانون خارجی به‌منظور تعیین حق مکتسب، اگر انتخاب قانون با یک معیار نامناسب صورت گرفته باشد ممکن است باعث تضییع منافع مشروع طرفین دعوا و ایالت‌های درگیر شود.

بر این اساس، زمانی که اعمال قانون محل وقوع خطا، منافع خواهان و ایالت مربوطه را تضییع نماید ما هیچ‌گاه آن قانون را اعمال نمی‌کنیم (نک: دعاوی گرانت علیه مک الیف؛<sup>۱</sup> همچنین دعاوی امری علیه امری).<sup>۲</sup> پروندهٔ گرانت، درخصوص دعاوی مربوط به وقوع خسارات بدنی ناشی از یک تصادف رانندگی در ایالت «آریزونا» بود که این تصادف میان دو فرد مقیم ایالت کالیفرنیا رخ داده بود. راننده‌ای که تقصیر او موجب وقوع تصادف شده بود، فوت گردیده و دادگاه ناگزیر بود میان قانون ایالت کالیفرنیا که اقامهٔ دعوا علیه وراث او را مجاز می‌دانست و قانون ایالت آریزونا که اقامهٔ چنین دعاوی را غیرمجاز تشخیص می‌داد، یکی را برگزیند. ما آن زمان این‌گونه رأی دادیم: «هر دو طرف مقیم ایالت کالیفرنیا هستند و اموال شخص خطاکار که در حادثه فوت کرده نیز در این ایالت واقع است. حق خواهان بر اقامه و تعقیب دعوا درخصوص علل وقوع حادثه، تحت حاکمیت قانون ایالتی است که محل وقوع اموال شخص خطاکار می‌باشد». در آن شرایط، اعمال قانون محل وقوع خطا، نه‌تنها منافع ایالت کالیفرنیا و مقیمان آن را تضییع می‌کرد بلکه هیچ نفعی نیز برای ایالت آریزونا و ساکنان آن به‌همراه نداشت (نک: دعاوی گرانت علیه مک الیف).<sup>۳</sup> در پروندهٔ «امری»، اعضای یک خانواده اهل ایالت کالیفرنیا، در تصادفی در ایالت «آیداهو»<sup>۴</sup> مجروح شدند که در این تصادف، یکی از اعضای این خانواده راننده بوده و کنترل اتومبیل را از دست داده و اتومبیل از جاده خارج شده بود. پرسش اینجاست که: بر اساس قانون ایالت کالیفرنیا یا ایالت آیداهو، هنگامی که در تصادف رانندگی یکی از اعضای خانواده مسبب ورود جراحت به دیگر اعضای خانواده می‌شود، آیا فرد مقصر از مسئولیت مدنی مبرا است؟ ما در

1. Grant v. McAuliffe, supra, 41 Cal. 2d 859, 867.

2. Emery v. Emery, 45 Cal. 2d 421, 428.

3. Grant v. McAuliffe, supra, 41 Cal. 2d 859, 867.

۴. ایالتی در غرب ایالات متحدهٔ آمریکا.

آن پرونده قانون محل اقامت خانواده [کالیفرنیا] را اعمال کردیم نه قانون محل وقوع خطا [ایالت آیداهو] را: «آن ایالت [کالیفرنیا] مسئولیت اولیه ساماندهی و ضابطه‌مند کردن وقایع موجود در روابط خانوادگی اشخاص را بر عهده دارد و این ایالت، تنها ایالتی است که افراد می‌توانند با مداخله در فرآیند قانون‌گذاری، در تغییر این وقایع، تأثیرگذار باشند. به‌علاوه، نامطلوب است که حقوق، تکالیف و مصونیت‌هایی که به‌موجب روابط خانوادگی، به افراد اعطاء یا تحمیل می‌شوند، به‌صورت مداوم به‌دلیل این‌که یکی از اعضای خانواده از مرزهای ایالت محل اقامت خارج گشته و از محل سکونت دور می‌شود، دستخوش تغییر گردند».

اما خواننده این ادعا را مطرح می‌کند که در پرونده‌های گران‌تر و امری دلایل قانع‌کننده‌ای برای صالح نبودن قانون محل وقوع خطا وجود دارد که در پرونده حاضر این دلایل وجود نداشته و مشاهده نمی‌شود. او استدلال می‌کند که اعمال قانون محل وقوع خطا، هماهنگی و یک‌نواختی تصمیمات متخذه توسط دادگاه‌ها را توسعه و ترویج می‌بخشد و مانع از این امر می‌گردد که خواهان به‌دلخواه قانونی برگزیند که نفع او را تأمین می‌کند و همچنین از ایجاد عدم اطمینانی که ممکن است در نتیجه جستجوهای ویژه برای یافتن قانونی مناسب‌تر در این پرونده و پرونده‌های مشابه پدید آید، جلوگیری می‌نماید.

با این حال، عملی بودن تعیین قانون قابل اعمال و حفظ یک‌نواختی قواعد حاکم بر تصمیمات، تا حدود زیادی به این هدف مناسب که از تعیین قانون حاکم بر دعوا دنبال می‌شود، بستگی دارد که باید قانونی به‌عنوان قانون حاکم بر دعوا تعیین و اعمال گردد که دارای بیشترین تناسب با دعوای مربوطه است (نک: کتاب لفلار، انتخاب معیارهای تأثیرگذار در تعارض قوانین، صص ۲۶۷ و ۲۷۹-۲۸۲).<sup>۱</sup> افزون بر آن، حوزه‌های قضایی یکی پس از دیگری، صرف‌نظر از موضوع دعوا، از انتخاب قانون محل وقوع خطا به‌عنوان قانون حاکم بر دعوای مسئولیت مدنی، فاصله گرفته‌اند. (نک: دعوای رومرو علیه شرکت اجرایی ترمینال بین‌المللی؛<sup>۲</sup> همچنین دعوای وارنل

1. Leflar, Choice Influencing Considerations In Conflicts Law (1966) 41 N.Y.U.L.Rev. 267, 279-282.

2. Romero v. International Terminal Operating Co., 358 U.S. 354, 381-384 [3 L. Ed. 2d 368, 387-389, 79 S. Ct. 468].

علیه فرموسا؛<sup>۱</sup> دعاوی باربر علیه هیوگ؛<sup>۲</sup> دعاوی وسلینگ علیه پاریس؛<sup>۳</sup> دعاوی کلارک علیه کلارک؛<sup>۴</sup> دعاوی بابکوک علیه جکسون؛<sup>۵</sup> دعاوی کیسی علیه شرکت مهندسی مانسون؛<sup>۶</sup> دعاوی گریفیث علیه شرکت خطوط هوایی متحده<sup>۷</sup> و دعاوی هاومشیلد علیه شرکت کانتیننتال).<sup>۸</sup> و دیگر حتی قانون محل وقوع خطا ظاهراً نیز قاعده عمومی قابل اعمال در دعاوی [مسئولیت مدنی] نیست (این موضوع سابقاً به عنوان نقطه قوت بزرگ قانون محل وقوع خطا محسوب می شد). ما این گونه نتیجه گرفتیم که قانون محل وقوع خطا، الزاماً قانون حاکم در تمامی دعاوی مسئولیت مدنی که در دادگاه‌های این ایالت اقامه شده، نبوده است (نک: دعاوی لورانژه علیه نادو<sup>۹</sup> و دعاوی رایان علیه شرکت ماهی قزل‌آلای آلاسکای شمالی).<sup>۱۰</sup>

ما باید در مقام دادگاه رسیدگی کننده، تمام معیارهای داخلی و خارجی و منافع مرتبط با این پرونده را برای تعیین قانون حاکم، در نظر بگیریم. سه ایالت با این پرونده ارتباط دارند: «اوهايو» ایالتی که خواهان‌ها و اشخاص فوت شده در تصادف [مورثین خواهان‌ها] قبل از سانحه در آن جا ساکن بوده و اموال اشخاص فوت شده، در آن جا واقع شده است. ایالت میزوری محل وقوع خطاست و کالیفرنیا هم ایالتی است که خواننده، مقیم آن می باشد. اگرچه خواهان‌ها نیز در حال حاضر مقیم ایالت کالیفرنیا هستند، لکن اقامتگاه و محل سکونت در زمان وقوع تصادف، اقامتگاه و محل سکونت مؤثر و مرتبط [در تعیین قانون حاکم] محسوب می شود. در هنگام وقوع تصادف، برنامه برای تغییر محل سکونت خانواده [خواهان‌ها] قطعی و تثبیت شده، نبوده است و همچنین چنانچه در انتخاب قانون حاکم، وقایعی که پس از حادثه اتفاق می افتد دخیل شود، این پدیده که خواهان به دلخواه قانونی برگزیند

1. *Wartell v. Formusa* (1966) 34 Ill. 2d 57 [213 N.E.2d 544].
2. *W.H. Barber Co. v. Hughes* (1945) 223 Ind. 570 [63 N.E.2d 417].
3. *Wessling v. Paris* (Ky.App. 1967) 417 S.W.2d 259.
4. *Clark v. Clark* (1966) 107 N.H. 351 [222 A.2d 205].
5. *Babcock v. Jackson*, 12 N.Y.2d 473 [191 N.E.2d 279, 95 A.L.R. 2d 1].
6. *Casey v. Manson Constr. & Engineering Co.* (1967) [428 P.2d 898].
7. *Griffith v. United Air Lines, Inc.* (1964) 416 Pa. 1 [203 A.2d 796].
8. *Haumschild v. Continental Cas. Co.*, 7 Wis. 2d 130 [95 N.W.2d 814].
9. *Loranger v. Nadeau*, supra, 215 Cal. 362, 366.
10. *Ryan v. North Alaska Salmon Co.*, supra, 153 Cal. 438.

که نفع او را تأمین می‌کند، ترویج می‌یابد (نک: کاورز، پیشین، ص ۱۵۱).<sup>۱</sup> بر این اساس، محل سکونت کنونی خواهان‌ها در ایالت کالیفرنیا، برای این ایالت هیچ منفعتی برای اعمال قانون این ایالت، ایجاد نمی‌نماید و نیز با توجه به این که قانون ایالت کالیفرنیا هیچ محدودیتی برای میزان خسارت قائل نیست، اعمال قانون این ایالت هیچ نفعی برای خواننده ندارد. بدین ترتیب، به‌عنوان دادگاهی که در موضوع این دعوا بی‌طرف است باید تصمیم بگیریم که آیا قانون ایالت اوهایو را به‌عنوان قانون ماهوی رسیدگی به این پرونده انتخاب نماییم یا قانون ایالت میزوری را؟

ایالت میزوری به‌دلیل ارتکاب عمل [خطاکارانه] در داخل مرزهای این ایالت، مرتبط با دعواست و درخصوص این رفتار خطاکارانه، خواننده منفعت زیادی در انتخاب قانون این ایالت به‌عنوان قانون حاکم دارد. با این وجود، محدودیت‌های موجود در مورد میزان خسارت قتل غیرعمد، ارتباطی اندک با این رفتار داشته یا اساساً هیچ ارتباطی با آن ندارد. این محدودیت‌ها با موضوع چگونگی رفتار افراد، بی‌ارتباط است ولیکن موضوع مرتبط با آن این که در صورت وقوع حادثه، خسارات بازماندگان چگونه جبران شود؟ با توجه به این که هیچ‌یک از طرفین دعوا مقیم ایالت میزوری نیستند ایالت وقوع خطا [میزوری] در این جبران خسارت منفعت اندکی داشته یا اساساً بی‌بهره از هرگونه منفعتی است. قوانین مربوط به قتل غیرعمدی، حق دادخواهی را برای ذی‌نفعان معین ایجاد کرده و عواید حاصله [محکوم‌به] را بین این ذی‌نفعان تقسیم می‌کند. این عواید حاصله همانند اموال متعلق به شخص متوفی به ذی‌نفعان اختصاص نمی‌یابد (یعنی این عواید حاصله به‌عنوان مال متوفی بین بازماندگان تقسیم نمی‌شود بلکه به‌صورت مستقیم به‌عنوان مال بازماندگان، به ایشان تعلق می‌گیرد)، لذا موضوع ادعای طلبکاران متوفی قرار نمی‌گیرد و در نتیجه، محلی برای استیفای طلب ایشان فراهم نمی‌آورد. بنابراین، منفعت یک ایالت در دعوی قتل غیرعمدی تا حدودی است که نحوه تخصیص عواید حاصله به ذی‌نفعان را معین نماید و این منفعت صرفاً شامل مواردی می‌شود که متوفی یا بازماندگان او [ذی‌نفعان]، مقیم آن ایالت باشند

1. Cavers, op. cit., 556 supra, p. 151, fn. 16.



درحالی که ایالت میزوری محل اقامت هیچ یک از افراد مذکور نیست. با این وجود، مقررات مربوط به محدودیت میزان خسارت در ایالت میزوری، امتیازی اضافه برای خواندگان بیان می‌دارد که به موجب آن، این مقررات از تحمیل بار مالی زیاد بر خواندگان خودداری می‌کند اما این امتیاز، در درجه نخست یک مقرره محلی است و ما قادر به استنباط و استنتاج در این امر نشدیم که منفعتی بنیادین برای ایالت میزوری وجود داشته باشد که امتیازات مقررات مربوط به محدودیت میزان خسارت را به مسافرانی که از ایالت‌های فاقد مقررات محدودکننده مشابه آمده‌اند، گسترش دهد. با عنایت به این که هیچ یک از طرفین دعوا از ایالت محدودکننده مسئولیت نیستند، مسئولیت خواندگان دعوا نباید محدود گردد و بدین ترتیب، خوانده بدون وجود چنین محدودیت مسئولیتی در ذهنش، تحت پوشش بیمه بوده است. هنگامی که غرامت بر طبق قانون محل سکونت خوانده ارزیابی شود منطقاً وی اعتراضی ندارد و خواهان‌ها نیز مبلغی بیشتر از آنچه در خانه ایالت محل سکونت در زمان تصادف نصیب آن‌ها می‌شد، دریافت نکردند (نک: همان، صص ۱۵۳-۱۵۷).<sup>۱</sup> در این شرایط، اثر بخشیدن به منفعت‌های ایالت اوهایو [محل اقامت خواهان‌ها در زمان وقوع تصادف] در فراهم آوردن جبران کامل خسارات طرف متضرر آنه جبران محدود مانند ایالت میزوری،<sup>۲</sup> تعارضی با هیچ منفعت بنیادین ایالت میزوری ندارد (نک: دعاوی برنکرانت علیه فاولر).<sup>۳</sup> بنابراین، قوانین محدودکننده میزان جبران خسارت ایالت میزوری اجرا نمی‌شود [بلکه مقررات ایالت اوهایو که جبران کامل خسارات طرف زیان دیده را مقرر می‌کند به اجرا درمی‌آید]. (نک: دعاوی جیانی علیه فورت؛<sup>۴</sup> دعاوی واتس علیه شرکت پایونیر کورن؛<sup>۵</sup> دعاوی پیرسون علیه شرکت خطوط هوایی شمال شرقی؛<sup>۶</sup> دعاوی فابریکیوس علیه هورگن؛<sup>۷</sup> دعاوی فاربیر علیه اسمولاک؛<sup>۸</sup> دعاوی لانگ

1. Cavers, op. cit., supra, Pp. 153-157.

2. Cf. Bernkrant v. Fowler, 55 Cal. 2d 588, 595.

3. Gianni v. Fort Wayne Air Service, Inc. (7th Cir.1965) 342 F.2d 621.

4. Watts v. Pioneer Corn Co. (7th Cir.1965) 342 F.2d 617.

5. Pearson v. Northeast Airlines, Inc. (2d Cir.1962) 309 F.2d 553, 92 A.L.R. 2d 1162.

6. Fabricius v. Horgen (1965) 257 Iowa 268 [132 N.W.2d 410].

7. Farber v. Smolack (N.Y. 1967) 36 U.S.L. Week 2075.

علیه شرکت هواپیمایی پان آمریکا؛<sup>۱</sup> دعوای کیلبرگ علیه شرکت خطوط هوایی شمال شرقی<sup>۲</sup> و دعوای گریفیث علیه شرکت خطوط هوایی متحده.<sup>۳</sup> آن قسمت از رأی [بدوی] که مورد تجدیدنظرخواهی قرار گرفته بود مطابق مقررات، [نقض] و به دادگاه بدوی بازمی‌گردد تا مطابق توافق طرفین دعوا، پرونده را برای خواهان به میزان ۵۵ هزار دلار خسارت مورد رسیدگی قرار دهد. قضاتی چون «مک کومب»،<sup>۴</sup> «پیترز»،<sup>۵</sup> «توبرینر»،<sup>۶</sup> «ماسک»،<sup>۷</sup> «بارک»<sup>۸</sup> و «سالیوان»<sup>۹</sup> همداستان و متفق‌الرأی هستند.

---

1. Long v. Pan American World Airways, Inc. (1965) 16 N.Y.2d 337 [213 N.E.2d 796].

2. Kilberg v. Northeast Airlines, Inc., 9 N.Y.2d 34 [172 N.E.2d 526].

3. Griffith v. United Air Lines, Inc., supra, 416 Pa. 1.

4. McComb

5. Peters

6. Tobriner

7. Mosk

8. Burke

9. Sullivan